خدمت ادبیات داستانی به زبان

سمیعی، احمد

در شماره اول نامه فرهنگستان (بهار 1374)، ضمن اشاره به وظایفی که این نامه در امر تقویت بُنیه زبان ملّی دارد، راه‏هایی برای نیل به این مقصود برشمرده شده است، از جمله این که

به ادبیات معاصر و انواع تازه آن، مانند رُمان و دیگر گونه‏های ادبیات داستانی، که تاکنون در محافل دانشگاهی ما با کم‏اعتنایی مواجه بوده است، توجهی که در خورِ آن است مبذول گردد.

خوشبختانه امسال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به انتظار و توقّع علاقه‏مندان به ادبیات داستانی جواب مساعد داده و برای این نوع اثر نیز، در گزینش کتاب سال، جا باز کرده و با این اقدام توجه خود را به آثار تخیّلی ابراز داشته است(\*).

بر اهل کتاب پوشیده نیست که امروزه سهمِ غالبِ ادبیات جهانی از نوع داستانی و تخیّلی است. با حذف رُمان و داستان کوتاه و نمایش‏نامه و فیلم‏نامه، اثر باارزش چندانی در جهان ادبیات معاصر باقی نمی‏ماند. حجم نظرگیری از نقد ادبی نیز به ادبیات داستانی اختصاص دارد.

در حقیقت، آثار داستانی بخش زنده و پویا و خلاّق و مردمی و فراگیرِ ادبیات را در برمی‏گیرد. در ادب سنّتی ما نیز، منظومه‏های داستانی مقام و منزلت شامخی دارند.

جایزه کتاب سال 1375 در حوزه ادبیات داستانی به ترجمه مجموعه آثار چخوف، از زنده‏یاد سروژ استپانیان، تعلّق گرفته است.

نمونه‏های درخشان آن مانند شاهنامه، ویس و رامین، مثنوی‏های نظامی، در ادبیات جهانی، از امّهات آثار شمرده می‏شوند. هم‏چنین، آثار منثوری چون کلیله و دمنه، سمک عیار، بختیار نامه، داستان‏های بیدپای، مرزبان نامه، داراب نامه در گنجینه سخن پارسی از ارزش و جایگاه ممتازی بهره‏مندند. از ادبیات عرفانیِ منظوم و منثور ما نیز، که خصلتِ مردمیِ آن بارز است، حکایاتْ نقش مؤثری در بیان معانی و رسوخ آنها در میان عامه ناس ایفا می‏کنند.

زبان فارسی، هم از آغاز، در پرتوِ خلق آثار داستانی، مایه گرفته و غنی شده است. ادبیات داستانی نوعا اقتضای جذب عناصری از زبان محاوره را دارد. تنوّع مضامین و تعلّق چهره‏های داستانی به صنوف و قشرها و مشاغل و حِرَف و مراتب و مدارج گوناگون جامعه هم ایجاب می‏کند و هم مجال می‏دهد که انبوه واژه‏ها واصطلاحات و تعبیرها و امثال از زبان رایج به ساحت ادب راه یابد و شیوه‏های رنگارنگ بیان، با مهارت هنری، در نوشته‏های داستانی به جلوه درآید. با این جریان، در زبان ادبی خون تازه تزریق می‏شود، الگوها و ریخته‏گری‏های کلامیِ بدیع، با بارِ عاطفیِ گران در آن ظهور می‏کند که بر لطف و جاذبه و نیروی القایی آن می‏افزاید.

ادبیات داستانی قید و بندهای مزاحم را می‏گسلد و زبان را رنگین و نمکین و شاداب و شکوفا می‏سازد. علاوه بر این، از خلال آن، فرهنگ و حکمت عامیانه و فراورده‏های ذوق سلیم در کالبد زبان روحِ تازه می‏دمد و زبان را برای بیان روحیّات و خلقیّات و آمال و آرمان‏های جمعی مستعد می‏سازد.

در ادب داستانی، به مقتضای سرشت آن، باید صحنه‏ها و فضاهای گوناگون، حالات باطنیِ هزارتو، موقعیت‏های حساس و باریک وصف و متجسّم گردد. برای شرح و بیان دقایق و ظرایف این جمله طبعا باید طرح‏ها و بُرِش‏های بِکر زبانی به کار رود. حاصل کوششِ خلاّق نویسندگان در این گونه ابداعات در زبان منعکس می‏شود و به آن جلا و طعم و ذوق و نوا و جان و نیروی دیگری می‏بخشد.

زبان فارسی، طی صد و پنجاه سال اخیر، خواه از طریق ترجمه آثار ادبیات جهانی و خواه از راه ظهور آثار فراوان داستانی، غنای فوق‏العاده پیدا کرده است. مترجمان، برای ادای حقِ اثر و منعکس ساختن سبک آن، به تلاش برای یافتن زبان مناسب کشانیده شده‏اند و به آن جانب سوق یافته‏اند که ترکیب‏ها و تراش‏های کلامیِ در خور بیافرینند؛ هم‏چنین، برای بسیاری از واژه‏ها و تعبیرهای بیگانه، معادل خوش و خوش‏آهنگ بیابند. این تقلاّهای زبانی قهرا ذخایرِ لغویِ زبان فارسی را روزافزون ساخته است.

با توجه به این خدمات پرارزش زبانی و فرهنگیِ ادبیات داستانی و تأثیر شگرف آن به ویژه در نسل جوان است که نامه فرهنگستان نمی‏تواند از آن غافل بماند و، از این رو، در صدد است مقاله‏های تحقیقی و انتقادی درباره آثار داستانی و نمایشی، از جمله درباره ترجمه‏های این نوع آثار از زبان‏های بیگانه، به علاقه‏مندان تقدیم کند. نوشته‏ای از این دست، چنانچه در سطح مقبول باشد، برای انتشار در نامه فرهنگستان فرصتِ مساعد خواهد یافت. تحقیق در دو حوزه زبانی و محتوایی‏ـ ساختاری، یا جمع و تلفیقی از این دو، مطلوب خواهد بود.

مقصود آن است که، از یک سو، با تحقیقِ زبانی و ادبی در آثار تخیّلی، خدماتِ ادبیات داستانی به زبان و ادب فارسی معرفی شود و، از سوی دیگر، با نقد آنها، سطحِ بینش هنری جامعه فرهنگی ارتقا یابد و نسل جوان، با روشن‏بینی و آگاهی بیشتری، با این نوع دستاوردِ ادبی و جهات متعدّد آن روبرو گردد و، در پذیرش آنچه به بازار کتاب عرضه می‏شود، آسان‏پسند نباشد و «بُنجل» را از «رویِ رَزْمه» و «بی‏بها» را از «کم‏بها» و «اصیل» را از «کاذب» تمیز دهد.

1 جایزه کتاب سال 1375 در حوزه ادبیات داستانی به ترجمه مجموعه آثار چخوف، از زنده‏یاد سروژ استپانیان، تعلّق گرفته است.